

مخالفان سنتی مردم سالاری و پروژه تقلب انتخاباتی در افغانستان !

پیوسته به گذشته : بخش سی و یکم



محمد امین فروتن

عیب جامعه این است که همه می خواهند آدم مهمی باشند و هیچ کس نمی خواهد فرد مفیدی باشد.

وینستون چرچیل

لابد خواننده گان عزیز مان میدانند که با یکبار خواندن هر بخشی از نوشته های این حقیر نه میتوانند آنچه را که خواست قلبی این قلم است کشف کنند بلکه همیشه سعی خواهند کرد و باید هم اگر خواسته باشند سعی کنند تا در اثر تکرار مطالعه ریزه کاری های ویژه ای کشف فرمائند که گاه ، حتی صاحب این قلم نیز ملتفت آن ظرائف و دقائق نبوده است ؛ اما خواننده گان عزیز لابد تصور نه می فرمایند که این مقدمه را ازین بابت نوشتم که به آنان تکلیف کنم که عرائض را از جهت کشف حقائق و ظرائف آن به جای یکبار دوبار بخوانند ؛ نخیر ما هیچگاه همچنین توقعی از کسی نداریم ، فلذا بدون هرگونه مقدمه و دیباچه به بحث مربوط به انتخابات و عوارض آن می پردازیم . چنانچه دوستان خواننده ملتفت اند بحث انتخابات در افغانستان آنگاه کشاله دار شد که **حضرت !!** جان کری John Kerry وزیر خارجه ایالات متحده امریکا و Ján Kubiš **نماینده سازمان ملل** متحد در افغانستان خطوط اصلی و رنگ آمیزی شده انتخابات منحصر به فرد در افغانستان را تشریح کرد و پس از بگومگوهای زیادی از سوی مهره های اصلی نظام سرمایه داری مافیائی برون مشارکتی یعنی جناب اشرف غنی احمدزی که وی را دؤمین متفکر جهان و از نوابغ قرن بدون ظهور می شمارند !! همچنان حضرت عبدالله ، عبدالله که با مشتری بودن یکی از مغازه های گران قیمت لاس انجلس لقب شهزاده خاورمیانه را کسب کرده است **حضرت** جان کری John Kerry وزیر خارجه ایالات متحده امریکا فرمان سکوت و خاموشی صادر کرد و هردو شهزاده افغانی الاصل را به آشتی و برادری دعوت داد . اما

امروز که خبرهای مربوط به انتخابات در افغانستان را می شنیدیم و گوش میدادم پس از چندین بار چانه زنی ها بر سر آغاز بررسی و شمارش آراء از سوی کمیسیون انتخابات افغانستان ناگهان ویدیوی را دیدم و استماع نمودم



که از سوی بریالی ارسلائی رئیس ستاد انتخاباتی تیم اصلاحات و هم گرائی که در عین حال با نسبت برادری که با محترم حاجی دین محمد معاون حزب اسلامی افغانستان برهبری مولوی خالص فقید و فعلاً از اعضای برجسته تیم تحول و تداوم برهبری محترم اشرف غنی احمد زی به شمار می آید و از " ریاست شورای ولسی مشورتی ننگرهار " در رهبری ستاد انتخاباتی تیم اصلاحات و همگرائی حضور یافته است به سلسله افشاگری های گذشته نواری را به نشر رساند که به محترم عبدالکریم خلیلی معاون رئیس جمهوری افغانستان که از برکت جهاد فی سبیل الله پس از مرگ عبدالعلی مزاری بر مسند رهبری حزب وحدت اسلامی افغانستان نیز نشسته است نسبت داده میشود و در آن ویدیو قبل از آغاز دور دوم انتخابات "ریا" است جمهوری آنگاه که در جمع ارادتمندان و هواداران حزب اش سخنرانی میکند و میگوید که

https://www.youtube.com/watch?v=z_UVxWLMxno

رئیس جمهور جدید در انتخابات با مشورت دولت تعیین شده و کاندیدای مورد توافق کاخ ریاست جمهوری پیروز این انتخابات خواهد بود. کریم خلیلی افزوده: سازمان ملل، «حامد کرزی» رئیس جمهور افغانستان و کمیسیون مستقل انتخابات این کشور با هم توافق دارند تا از هر فرصت و ابزاری برای پیروزی کاندیدای مشخصی استفاده کنند حتی اگر مخالف با قوانین این کشور نیز باشد. در بخش دیگر سخنان معاون حامد کرزی آمده است: تا پیروزی کاندیدای مورد نظر زمان زیادی باقی نمانده است، زیرا کمیسیون مستقل انتخابات، مقامات دولتی و سازمان ملل بر سر وی توافق دارند... یکبارہ ذهنم به دوران جهاد مردم افغانستان و حوادث دهه هشتاد معطوف گشت که چگونه آقای عبدالکریم خلیلی و شخصی به نام داکتر رسول طالب با دیگر اعضای سازمان انقلابی نصرکه با اثر تلاش آتشہ نظامی سفارت پاکستان در تهران و حزب اسلامی افغانستان برهبری محترم حکمتیار از تهران پایتخت جمهوری اسلامی ایران به اسلام آباد، پاکستان منتقل گردیدند بودند و در آنجا درست در سال

۱۳۶۵ هجری شمسی به فعالیت های جداگانه بنام دفتر سازمان نصر برهبریی استاد عبدالکریم خلیلی به فعالیت آغاز نمودند . (۱)



شایدسخت ساده اندیشانه باشد که فاجعه امروزی میهن ما را بصورت مجرد و بدون مطالعه تمامی عوامل و پیش زمینه های آن مورد بررسی قرارداد ، بنابراین بی اشارت و بیهوده نیست و نخواهد بود که تاریخ پراز فراز و نشیب جامعه و مردم ما را بصورت دلسوزانه و بدور از هر نوع تعصب و تحجر با تمامی ویژه گی های بافت جامعه حتی بی برنامه گی ها ، افکار و عملکردهای غیر انقلابی توأم با مواضع متنوع فکری مورد بررسی قرار داد . زیرا اگر می پذیریم که تاریخ زندگی معاصر ما با گذشته و گذشته گان ما تعلق دارد نه میتوانیم از خم و پیچ تاریخ باستانی این خیطه و حتی تمامی کشور ها و سرزمین های که نه با مردم سرزمین ما بلکه با روح و روان و اندیشه ها و عواطف فرد فردی از ساکنان این مرزوبوم عجین گشته است صرف نظر کنیم ، اما این بار همچون دریای آرام و به ظاهر ساکتی که توفان سهمگین و آتشفشان خروشنده ای را در اعماق خویش به بند کشیده است وبصورت ریأ کارانه و مزورانه نسل نو ما را به اسارت درآورده است . خلاصه اینکه ریشه این درگیری ها و تعارضهای غیر طبیعی انتخاباتی و عوارض جانبی آن منشأ از " **حب نفس** " میگیرند که خود ریشه هرفساد و هرجنایت است ، شبکه های معروف جاسوسی مانند سازمان اطلاعات و امنیت ارتش پاکستان **ISI** ، سازمان امنیت عربستان **GIP** ، سازمان اطلاعات جمهوری اسلامی ایران **VAJA** سازمان انتلجنت سروس **انگلیس MI6** سازمان جاسوسی مرکزی " سیآ " **CIA** نیز آنگاه که فرزندان اصیل این مرزوبوم را با **دالر و پوند** و **درهم** شکار میکنند در تحلیل نهایی و روانشناسانه امنیتی شان نطفه فاسد شانرا در **حُب این نفس** میندد و از این جدار و منفذ نفوذ میکنند ، بنابراین کسی که در " **کیش** " و **حب نفس** خویش اسیر گردد ، بخصوص آنگاه که در « **کانون قدرت** » پای میگذارد و در " **عرصه حکومت** " جای میگیرند یک مزدور و خائن بالقوه است و نطفه سیاه " سیآ " **ISI** و **KGB** و انتلجنت سروس **انگلیس MI6** و همه جلادان تاریخ را در زوایای پیچیده خویش همراه و آماده دارند زیرا مواد و مصالح اولیه این ساختمانها همانا **حب نفس** است که در عرصه حوزه زندگی « **فردی** » و اجتماعی بلاهای سختی را بر ما و دیگر روشنفکرانی که امید توده ها اند می آورند ، باید صمیمانه اعتراف کرد که به دلیل اینکه حجم کار تحلیلی من به عنوان یک اهل قلم مربوط به این نسل چنانچه باید بصورت منظم و زنجیره ای و در پرتو اجندای از قبل تعیین شده مینگاشتم ، از عهده آن بیرون نه برآمده ام اما با صراحت و صداقت باید به عرض برسانم که هیچگاه و هیچ گونه جرثومه های از موانعی که در راه مبارزات آزادی بخش مبارزین راه آزادی ، استقلال و عدالت همچون موریانه ای از انهدام ایمان و اندیشه ها ظهور میکنند در راه مبارزات قلمی و تلاش های عملی زندگی ام تأثیر نداشته اند . البته باید خاطر نشان ساخت که بخش دیگری از این سلسله را دیگر مخالفان سنتی

مردم سالاری در فرآیند تقلب انتخاباتی احتوا خواهند ساخت .

ادامه دارد

یارزنده صحبت باقی !

(۱): از صفحه شخصی فیس بک جناب دکتر رسول طالب

داکتر رسول طالب در سال ۱۳۶۵ ه. ش به عنوان یک شخصیت سیاسی - جهادی فعالیت خود را در خارج از کشور آغاز نمود. این فعالیت ها را به صورت فشرده و عمده می توان این گونه برشمرد:

ایجاد دفتر سازمان نصر در پشاور (۱۳۶۵ ه. ش)؛

مسئول دفتر حزب وحدت اسلامی افغانستان در پشاور (۱۳۶۹ ه. ش)؛

مسئول کل ارتباطات خارجی حزب وحدت اسلامی افغانستان در پاکستان (۱۳۶۹ ه. ش به بعد)؛

مسئول ارزیابی استراتژی و سیاست خارجی امریکا از سوی حزب وحدت اسلامی افغانستان (۱۳۷۷ ه. ش)؛

مشارکت در تمام مذاکرات سیاسی از جمله توافقنامه اسلام آباد؛

مشارکت در مذاکرات سیاسی فی مابین حزب وحدت اسلامی افغانستان و حزب اسلامی حکمتیار؛

مشارکت در تشکیل حکومت مجاهدین؛

عضو شورای مرکزی حزب وحدت اسلامی افغانستان؛

جلب کمک های خارجی برای مکاتب افغانستان؛

برگزاری دوره های آموزشی طبابت و کمک های اولیه برای مجاهدین در پاکستان؛

وارد کردن فقه جعفری در نصاب تعلیمی دوره-ی جهاد.

دیدگاه ها:

پروسه-ی بن نقطه-ی عطفی در تاریخ سیاسی افغانستان است. این پروسه زمینه را برای تحقق دموکراسی، انتخابات عادلانه و شفاف، تشکیل نظام اداری سالم، تصویب قانون اساسی، تأمین حقوق بشر، مشارکت همه-ی اقوام در قدرت، و ... فراهم کرد.

بحران قومیت از مشکلات عمده فرا راه دموکراسی بشمار می رود که باید افغانستان از آن عبور نماید.

امنیت راه حل نظامی ندارد، با تفاهم

.....